

به طوری که ۵۱ درصد سرمایه متعلق به آلیانز باشد. دکتر بریپل گفت: آلیانز هنوز در بسیاری از کشورها به درستی معرفی نشده است. وی گفت: آلیانز هنوز علاقه مند به خرید یک شرکت بیمه عمر در انگلیس است.

مترجم: یعقوب عظیمی

منبع: Ins. Day, Sept. 30, 99, issue No. 684, P.1.

شرکت های بیمه تعاونی آلمان سهامی می شوند

بیمه گران در یک محیط اقتصادی سخت و بسته اغلب به سرمایه جدید نیاز دارند. دکتر هربرت پالم برگ *Dr Herbert Palmberger* از *Clifford Chance Dusseldorf* چشم انداز های تعاونی زدایی در آلمان و فرصت های فراروی تعاونی ها را مورد بحث قرار می دهد.

شرکت های تعاونی بیمه آلمان (Versicherungen Verein of Gegen Seitig Keit VvaG) در اصل مثل انجمن (کلوب ها) طراحی و سازماندهی شده اند و اساس نامه هایی دارند که به عنوان کلوب قابل قبول هستند.

دکتر بریپل در مصاحبه ای با یک روزنامه ملی آلمانی به نام *Suddeutsche Zeitung* گفت: "فرایند ادغام در پیش است". دکتر بریپل گفت: "مسلم است که آلیانز در آن فرایند شرکت خواهد کرد و دقیقا تمامی فرصت ها را بررسی خواهد کرد.

بخش مدیریت دارایی ها حایز اهمیت کلیدی بوده است"

دکتر بریپل گفت: از نظر اندازه، اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم، آلیانز جایگاه هشتم تا دهم را در مدیریت دارایی ها در جهان دارد. اما از نظر مدیریت دارایی شخص ثالث، از اهمیت چندانی برخوردار نیست. در این بخش تنها با رشد و توسعه داخلی نمی توانیم یکی از پنج قدرت برتر جهان باشیم.

ما به دنبال مشارکت مناسب در امریکا هستیم - خواه بانکی با مدیریت دارایی باشد، یا یک رئیس صرفا اجرایی دارایی ها و یا یک بیمه گر با مدیریت دارایی".

مدیر آلیانز تأکید کرد: "اخیرا آلیانز در این زمینه حرف هایی داشته است اما هزینه ها سنگین و مذاکره مشکل بود. وی گفت: برای ایجاد واحدهای بزرگ تر، بیمه گر آلمانی می تواند شرکت های ملی خود را با رقبایشان در دیگر کشورهای اروپایی ادغام کند

تعاونی دارند و در واقع اغلب در مقایسه با شرکت های تعاونی نقایصی دارند و ممکن است مانع کسب و کار نیز بشوند. عمده ترین نقص آن ها مربوط به توانایی محدود شان برای به وجود آوردن سرمایه از طریق صدور سهام است. برای یک تعاونی به این علت که سهام دار ندارد جلب سرمایه سهام نیز امکان ندارد. ایجاد سرمایه از محل سود توزیع نشده فرایندی کند و دشوار است و اشکالات مالیاتی دارد.

همان گونه که در بالا ذکر شد اعضا صرفا باید حق بیمه های خود را پردازند ولی متقبل خسارت های فنی نمی شوند و به سرمایه اولیه نیز کمک نمی کنند. بنابراین تنها راه عملی حصول سرمایه اولیه سریع و کارآمد عبارت است از انتشار اوراق مشارکت (Genussscheine) یعنی اوراق مذکور به مشارکت کننده حق دریافت سود و سود سهام تسویه را می دهد ولی حق دادن رأی یا مشارکت در سرمایه و یا حصول سرمایه از تعهدات جانبی را نمی دهد. برای این راه تقریبا سخت محدودیت ها و قیود مربوط به "میزان مجاز" قابل استفاده اند.

همانطور که امکان افزایش سرمایه در یک شرکت تعاونی وجود ندارد، از سوی دیگر امکان خرید یک شرکت تعاونی نیز که گاهی اوقات یک مزیت به شمار می آید، وجود ندارد.

بین تعاونی های بزرگ و تعاونی های کوچک وجه تمایزی وجود دارد. تعاونی های کوچک اغلب در قالب منطقه ای و یا حرفه ای محدود شده اند و مقید به قوانین مختلف و محدود کننده تری نسبت به تعاونی های بزرگ هستند. تعاونی های کوچک می توانند به صورت طبیعی و نه قانونی از یکدیگر تفکیک شوند. از این رو ملاحظات ذیل صرفا برای تعاونی های بزرگ کاربرد دارند. در حالی که تعاونی های کوچک به خاطر این که ساختار و قواعد عضویتشان خاص خودشان است از این نظر می توانند از بسیاری جنبه ها همانند کلوپ های واقعی تلقی شوند. ولی این مطلب در مورد تعاونی های بزرگی نظیر LVM و Huk ، Coburg ، Gothaer و HDI صحت ندارد. با این وجود ساختار یک کلوپ واقعی در یک تعاونی بزرگ متجلی نیست و هیأت های اجرایی و نظارت توسط "اعضا" انتخاب نمی شوند و در واقع با توافق دو جانبه تعیین می گردند. اگر چه سود بین اعضا تقسیم نمی شود ولی از سوی دیگر اعضا تعهدی برای جبران خسارت های واقع شده (فراتر از میزان حق بیمه پرداختی) ندارند.

با این حال شرکت های بیمه ای که به عنوان شرکت های سهامی سازمان یافته اند در مقام مقایسه تفاوت های زیادی با شرکت های

با این وجود، در حال حاضر بسیاری در آلمان وابستگی افقی با شرکت سهامی یا هر تعاونی دیگری را ترجیح می دهند و این در حالی است که بقیه راه تشکیل شرکت های فرعی (تابعه) را در پیش گرفته اند.

روال انتقال تعاونی به شرکت سهامی توسط "قانون انتقال" (unward lungsgesetz) هدایت می شود و فرایند آن به طور عادی با پرداخت غرامت نقدی به اعضای تعاونی که مورد توافق نمایندگان کلیه اعضا - حداقل ۷۵ درصد آرا - قرار گرفته است، آغاز می شود.

هم چنین شورای کارکنان (Betriebsrat) باید با این موضوع موافقت کند و بعد از آن دفتر نظارتی بیمه فدرال (BAV) نیز باید تصویب خود را اعلام کند. BAV به صورت ویژه ای بررسی تمام سودهای بیمه گذاران را با رعایت تمام جوانب نظارتی مورد مذاقه قرار می دهد. زمان مناسب برای انتقال را دفتر ثبت بازرگانی اعلام می کند.

در حالی که این راهی را که تعاونی برای حصول سرمایه و انعطاف سازمانی در شرکت طی می کند کارآمدترین و متحمل ترین راه - اگرچه پیچیده تر از آن چیزی است که در این جا معرفی شد - است، ولی راه حل های دیگری که قبلا به

با این وجود در شرایط افزایش ریسک ها و نوسانات خسارت این کار ضرر بزرگ تری به شمار می آید.

فضای کنونی و آتی ریسک به سرمایه بیشتر از آن چه خیلی از شرکت های بیمه - اگرچه تعاونی نباشند - می توانند مطلوب ایجاد کنند، نیاز دارد. از این رو تعاونی ها به عنوان اولین قربانی در معرفی خطر خواهند بود. بنابراین حتی در آلمان شکل قانونی یک شرکت تعاونی راه حل ایده الی برای تجارت بیمه به شمار نمی آید. لذا راه های عملی خارج شدن از این وضعیت عبارتند از:

- انتقال به شرکت سهامی
 - ادغام فرضی به درون شرکت سهامی
 - انتقال دارایی ها به درون شرکت سهامی
 - انتقال پرتفو به درون شرکت سهامی
 - تشکیل شرکت های سهامی تابعه (فرعی)
 - وابستگی افقی با شرکت سهامی و یا تعاونی
- تجربه خارج از آلمان نشان می دهد که انتقال تعاونی به شرکت سهامی رویه ای است که نظر اغلب کسانی را که نگران هستند جلب می کند.

دارایی ها در میان اعضا مطابق با اساسنامه شرکت تعاونی توزیع می شود.

اگر صرفاً بخشی از پورترفو انتقال داده شود ممکن است اعضایی که جدا می شوند مستحق دریافت غرامت مناسب یا حق عضویت جزئی در تعاونی، جدا از وابستگی بیمه ای آنان باشند.

تشکیل یک یا چند شرکت فرعی (تابعه) از یک شرکت تعاونی نیز به عنوان یک امکان رایج دیگر است. ریسکی که یک شرکت تعاونی به این خاطر متحمل می شود عبارت است از فقدان سرمایه برای حفظ بخش عمده سهام - و یا حداقل مقدار قابل توجهی از آن - در صورتی که شرکت فرعی نیاز به افزایش سرمایه برای باقی ماندن موفقیت آمیز در کسب و کار داشته باشد. بنابراین این روش باید با دقت مورد ملاحظه قرار گیرد و اغلب صرفاً برای یک یا چند نوع از کسب و کار در نظر گرفته می شود. این رویه انتخابی شاید در جایی مفید واقع شود که انواع معینی از کسب و کار (تجارت) می تواند در شرکت های تخصصی (نظیر درمان و زندگی) پذیرفته شود و یا در جایی که صدور بیمه اتکایی از خارج از شرکت تأمین شود. پورترفو های موجود ممکن است همان گونه که در بالا ذکر شد از تعاونی به شرکت فرعی آن انتقال یابد و این در حالیست که

آن ها اشاره شد وجود دارند که در ملاحظات ذیل به آن ها رجوع خواهد شد.

راه دیگر، ادغام کردن یک تعاونی به درون شرکت در حال فعالیت است. تعاونی در بخش انتقال تمام دارایی هایش توسط قانون منحل می شود.

سپس اعضا مستحق دریافت "غرامت مناسب" می شوند البته نه به صورت سهام بلکه نقدی و یا مزایا و منفعت هایی که در مفهوم وابستگی به بیمه وجود دارد. غرامت باید توسط امانت دار و یا متولی انتقال یابد.

انتقال پورترفو از یک تعاونی به شرکت سهامی نیز راه حلی عملی به شمار می آید. سهام هم به صورت کلی و هم به صورت جزئی می تواند انتقال یابد. BAV نیز مجدداً قدرت نظارتی خود را به صورت کامل به کار خواهد برد.

پورترفوی انتقال می یابد که شامل قراردادهای بیمه، ذخایر خسارات و حق بیمه های عاید نشده مرتبط، می گردد.

برعکس راه حل های سابق، شرکت سهامی دریافت کننده (مقصد) الزاماً نباید قبلاً وجود داشته باشد. انتقال پورترفو ممکن است پایه ای برای تشکیل شرکت سهامی جدید باشد. نتیجه انتقال کلی سهام انحلال تعاونی است و

واسطه مادر بین شرکا و شرکت های فرعی به منظور تسهیل در این واقعیت که اعضای هیأت مدیره و هیأت نظارت برای چند شرک یکسان باشند یک امر متحمل به شمار می آید.

خلاصه، به نظر می رسد که غیرتعاونی سازی (تعاونی زدایی) ممکن است در آلمان طی چندین مرحله صورت پذیرد و چندین روش عملی نیز برای این منظور می تواند مورد پی گیری قرار گیرد. انتخاب راه حل مناسب بستگی به شرایط آن مورد خاص و نیازهای تعاونی ها، شرکت ها، سهامداران و اعضای آن ها دارد.

مترجم: محمدمعلی معتمدیان

منبع: Insurance Day-Tuesday April 20,

1999, P.11.

بیمه سرمایه گذاری خارجی ژاپنی ها توسط بانک جهانی

"این مقاله نگاهی دارد به یادداشت تفاهمی که در آوریل سال ۱۹۹۹، بین میگا و وزارت صنایع و تجارت بین الملل ژاپن بسته شد و دربارہ انتظاراتی که از این توافق نامه وجود دارد و

کسب و کار جدید معمولاً از زمان تشکیل شدن شرکت فرعی به بعد فعالیت خود را آغاز می کند. در این شکل تشکیل یک شرکت واسطه مادر که در بین شرکت تعاونی و شرکت فرعی آن قرار گرفته است می تواند عملی باشد. شرکت واسطه مادر مذکور تحت کنترل و نظارت BAV نخواهد بود بلکه بزرگ تر از چندین شرکت تابعه کوچک است و به همین خاطر در بازار سرمایه مورد توجه بیشتری است.

وابستگی افقی با یک شرکت سهامی و یا شرکت تعاونی راه حلی است که اکنون در آلمان رایج است. ولی در بلند مدت ممکن است راه حل موقتی به شمار آید.

وابستگی افقی با یک قرارداد و یا یک ترتیب واقعی در میان سایر ترتیبات عملی می شود و به واسطه آن هیأت مدیره نظارتی و مدیران عامل هر دو شرکت یکسان و یا حداقل به صورت عمده یکی می شوند. هم اندازه و یا هم شغل بودن شرکا ضروری نیست. ممکن است شرکت هایی با کسب و کار متفاوت به لحاظ اهداف و تأکیدات با یکدیگر مرتبط شوند، بنابراین نیروها و تلاش هایشان را برای به وجود آوردن محصول کامل تر به کار خواهند گرفت.

قرارداد وابستگی باید حقوق شریک کوچک تر و اعضای آن را به دقت مورد توجه قرار دهد. لازم به ذکر است که تشکیل شرکت